

**تدوین خطوط کلی برای برنامه‌ریزی توسعه و  
عمران روستائی حوزه نفوذ شهرها**

**و**

**پیش‌بینی روند رشد جمعیتی و اقتصادی با روش  
الگویابی**

سهراب مشهودی

مقاله شماره ۳۶

سال ۱۳۶۱

## **تدوین خطوط کلی برای برنامه‌ریزی توسعه و عمران روستاهای حوزه نفوذ شهرها**

این مقاله شامل چهار بخش است، در بخش اول با نقل چهار نمونه از نظرات مسئولان کشوری در مورد توسعه و عمران روستایی آنچه را که در شرایط فعلی مدنظر غالب مسئولان برای روانبخشی روستایی است، تصویر می‌نمائیم.

بخش دوم، نارسائی‌ها، مشکلات و موانعی که بر سر راه رشد و توسعه روستاها قرار دارد تشریح می‌شود و در بخش سوم نتایج بررسی‌ها و پیشنهادات ما برای توسعه و عمران روستاها آورده می‌شود. و بالاخره در بخش چهارم کل مسئله طرح توسعه شهری و روانبخشی روستائی مطرح می‌گردد.

## ۱- خلاصه‌ای از نظرات رایج مسئولان درباره عمران روستاها

### ۱-۱- توسعه و عمران از نظر شرح خدمات " طرح توسعه شهری و روانبخشی روستائی " وزارت کشور.

نقل از مرحله سوم شماره ۱:

نقشه‌های تفصیلی برای کلیه شبکه‌بندی‌های اصلی و فرعی شهر و روستاهای تابعه محدوده خدماتی شهر و روستاهای تابعه.

نقل از مرحله سوم شماره ۶: نقشه تفصیلی نحوه استفاده از اراضی و تعیین سطوح لازم برای مسکن و تجهیزات عمومی نظیر ... در طرح توسعه شهری و روانبخشی روستایی.

### ۱-۲- روانبخشی روستایی از دیدگاه جزوه " مطالبی پیرامون طرح روانبخشی روستاها "

نقل از مقدمه:

هدف از روانبخشی روستاها احیاء توان عملکردهای مختلف روستاها در قالب فعال نمودن بخش‌های تولیدی و ایجاد تسهیلات لازم در جهت رونق بخشیدن به امر سکونت در روستاها می‌باشد.

نقل از پیشنهادات:

در گذشته با اتخاذ سیاست‌های نادرست قدرت جذب روستاها رو به ضعف گذاشت. آنچه بسیار حائز اهمیت است تحقیق و مطالعه بافت فیزیکی روستاست تا تنگناهای بافت مذکور بررسی و طرحی اندیشیده شود که جوابگوی تمام مسائل باشد.

- به علاوه یک سلسله پیشنهادات به شرح زیر:

توسعه و ایجاد تأسیسات و تجهیزات خدماتی و رفاهی، تأمین آب آشامیدنی در روستا، نوسازی و مرمت مسکن، استفاده از مصالح محلی و جلوگیری از مصالح ناباب، احداث راه ارتباطی با سایر روستاها، احداث سیل‌بند، کانال‌کشی کشاورزی و فاضلاب احداث معابر جدید برای دسترسی بهتر، مرمت و توسعه کوچه‌ها برای عبور (ماشین به‌طور دائم) پیش‌بینی فضای لازم برای تأسیسات و مراکز خدمات شهری (روستایی)، میدان روز، پیش‌بینی محل تعمیر ماشین‌آلات، پیش‌بینی فضاهای لازم جهت تأسیسات آموزشی و بهداشتی.

## ۲- نارسائی‌ها، مشکلات روستایی و موانعی که بر سر راه رشد و توسعه روستاها قرار دارد.

قبل از اینکه به تجزیه و تحلیل آنچه در بخش اول آمد پردازیم، نگاهی اجمالی به مشکلات روستایی خواهیم داشت.

### ۲-۱- مشکل مهاجرت از عمده‌ترین مشکلاتی که در رابطه با روستا وجود دارد

مسئله مهاجرت شدید از روستاها به شهرهاست. این روند مهاجرتی بیش از "روستا" به "شهر" فشار می‌آورد و حداقل باعث مشکلاتی به شکل حاشیه‌نشینی و غیره برای شهرهاست. علل عمده مهاجرت از روستاها در مسئله تولید نهفته است. مثل تولید افزایش جمعیت به همراه دارد، زمینی ثابت است و روی هر کدام حداکثر افراد مشغول به کارند. (یکی از علل حداقل تأمین معیشت در روستاها) در نتیجه هر سال گروهی که جذب تولید روستایی نمی‌شوند دست به مهاجرت می‌زنند. بنابراین مسئله تولید به شکل یکی از اساسی‌ترین مشکلات روستایی چهره می‌نماید. بارور کردن زمین‌های بایر، بهره‌برداری بیشتر از زمین‌های موجود و ایجاد تولیدات دیگر در کنار کشاورزی می‌تواند بخشی از مهاجرت را بکاهد ولی به هر حال کاهش جمعیت روستایی و یا حداقل عدم افزایش آن اجتناب‌ناپذیر است.

در کشورهای توسعه یافته که نسبت بین مشاغل به حد تعادلی رسیده است تنها بین ۵ تا حداکثر ۲۰ درصد در بخش کشاورزی مشغول به کار شد.

### ۲-۲- مشکل کاهش و یا عدم وجود تأسیسات و تجهیزات رفاهی و مورد لزوم، یکی دیگر از علل جاذبه شهرها و

مشکل جذب نیروی متخصص به وسیله روستاها بدون شک بهره‌وری بسیار پائین از تأسیسات آموزش بهداشتی و رفاهی در روستاهاست. به همین علت اغلب کسانی که با این مسئله روبرو هستند، در برخوردهای اولیه فوراً فهرستی از تأسیساتی که باید در روستا ایجاد شود را ردیف می‌کنند (ایجاد تأسیسات بهداشتی، ایجاد محلی برای تعمیر ماشین‌آلات کشاورزی، عریض کردن کوچه‌ها برای عبور آمبولانس و ماشین آتش‌نشانی، توسعه و ایجاد تأسیسات و تجهیزات خدماتی رفاهی و ...) و اگر شوق به خدمت در آنها به حد کفایت باشد و به عللی هم بتوانند بخشی از هزینه‌های عمرانی کشور را جذب نمایند شاید راه بیفتد و ناگهان برای مثال یک‌چهارم کل هزینه عمرانی ۶۵ هزار روستا را صرف انجام خدمات ذکر شده برای عده‌ای انگشت‌شمار روستا بنمایند و برگردند.

ولی مسئله‌ای که مطرح می‌شود این است که آیا اصولاً مشکل عدم وجود تأسیسات و تجهیزات خدماتی- رفاهی در روستاها تنها در حول و حوش مسائل مادی و کم‌توجهی‌های گذشته دور می‌زند و یا علل بازدارنده‌ی دیگری نیز در این رابطه وجود دارد؟

## ۲-۳- نسبت جمعیت به دامنه‌ی تأسیسات و خدمات قابل دسترسی و بخش تولیدی

برای اینکه هر یک از خدمات شهری بتوانند وجود داشته باشند یک حداقل جمعیتی لازم است. برای مثال اگر برای وجود یک دبستان شش کلاسه یک جمعیت ۳۰۰ نفری مورد لزوم باشد، برای ایجاد دبیرستان جمعیتی بسیار بیشتر مورد لزوم است و برای داشتن یک هنرستان فنی- حرفه‌ای جمعیتی به مراتب بیشتر. عین همین مسئله برای بخش‌های دیگر وجود دارد، برای مثال در امر درمانی اگر یک پزشک عمومی برای اینکه همه اهالی کشور دسترسی برابر به پزشک داشته باشند باید درمان ۴۰۰۰ نفر را زیر نظر داشته باشد، برای پزشک جراح عمومی این رقم بسیار بیشتر و برای یک متخصص جراحی مغز این رقم شاید چندصد هزاری باشد.

همینطور در مورد تعمیرات ماشین‌آلات کشاورزی یک حد معقولی لازم است تا نیروی یک مکانیک و یک مرکز تعمیرات به هدر نرود.

عین همین مسائل در مورد گسترش بخش تولیدی وجود دارد. وجود یک کارخانه کوچک بسته‌بندی محصولات یک مقدار حداقل محصول لازم دارد. یک کارخانه آماده‌سازی محصولات کشاورزی، سطح وسیع‌تری را باید زیر نظر داشته باشد و یک کارخانه کمپوت و یا کنسروسازی باز هم سطوح بزرگ‌تری. این مسئله در مورد همه‌ی امکانات دیگر از وجود یک روزنامه محلی گرفته تا فروشگاه‌های عرضه‌کننده مواد اختصاصی‌تر وجود دارد. بنابراین به‌وضوح روشن می‌شود که اصولاً تأمین بسیاری از خدمات و امکانات برای روستاها نه از لحاظ مادی و نه از لحاظ بهره‌وری از کلیه امکانات کشوری ممکن و عقلانی نیست. در این مورد باید طرحی اندیشید که با بهره‌وری کامل از همه‌ی امکانات موجود و تخصیص حد معقول اعتبارات کشوری که می‌تواند به این امر اختصاص یابد سطحی هرچه وسیع‌تر از روستاها و روستائیان را پوشاند. اولین برداشتی که در این رابطه حاصل می‌شود نفی کلیه روش‌هایست که وضعیت روستاها را ایستا تصور کرده و روانبخشی روستایی را طرح کوچک‌تر توسعه شهری فرض می‌نمایند. آنچنان که در برخی از سطور شرح خدمات آمده (نقشه‌های تفصیلی برای کلیه شبکه‌بندی‌های اصلی و فرعی شهر و روستاهای تابعه ... نقشه تفصیلی نحوه استفاده اراضی و تعیین سطوح لازم ... تعریض معابر برای عبور ماشین ...) و یا آنچه که در اغلب پیشنهادات جزوه تکمیلی روانبخشی روستایی آورده شده است. برعکس باید به روش‌هایی دست زد که هدف از روانبخشی را همانطور که به درستی در مقدمه جزوه ضمیمه آمده است، احیاء توان عملکردهای مختلف روستا در قالب فعال نمودن بخش‌های تولیدی و ایجاد

تسهیلات لازم در جهت رونق بخشیدن به امر سکونت در روستا فرض کرده است. و یا اگر کامل‌تر بگوئیم "هدف از روانبخشی روستا ارتقاء توان عملکردی روستا در قالب بارور کردن کشاورزی و دامداری و ایجاد بخش‌های جدید تولیدی مورد لزوم و ایجاد تجهیزات و تسهیلات جدید با روشی که حداکثر بهره‌وری از امکانات موجود را برای تمامی مناطق کشور به‌گونه‌ای برابر ممکن نماید خواهد بود".

در این رابطه جمعیت روستاها باید یکدیگر را تکمیل نموده و به حد معقول برای بهره‌وری از امکانات و تسهیلات مورد لزوم و ایجاد بخش‌های تولیدی جدید (که مشاغل جدید برای افزایش جمعیت می‌آفرینند) برسانند. خود کشاورزی باید به شکل نوینی بازسازی شود. امکان بهره‌وری از زمین افزایش پیدا کند. تکنولوژی جدید به افزایش محصول کمک نماید و زمین‌های جدیدی را برای کشت آماده ساخته و سطوح وسیع‌تری آبیاری گردد. در واقع احیاء عملکرد روستاها در احیاء کشاورزی نهفته است و احیاء کشاورزی به بذر اصلاح شده، کودها، نیرو و ماشین‌های جدید احتیاج دارد. تمام این خواسته‌ها را نمی‌توان به آسانی در حیطه‌ی چند کشتزار کوچک فراهم ساخت. دهکده‌ها بسیار کوچک‌اند و شهرها دورتر از آنکه دسترسی روزمره را امکان‌پذیر سازند. آنچه مورد لزوم است ایجاد مراکز روستائیت است. در این مراکز خدمات مورد لزوم چندین روستا (که جمعیت مجموعشان در حد مطلوب است) و به آن دسترسی روزانه دارند فراهم می‌گردد. مرکز درمانی که در آن بوجود می‌آید با حداکثر بازدهی عمل می‌نماید. آموزش و پرورش روستایی با ایجاد مراکز عالی‌تر تحصیلی و مدارس حرفه‌ای در این مراکز پشتیبانی می‌شود.

تعمیرگاه ماشین‌آلات کشاورزی در آن ایجاد می‌شود (طبق طرحی که وزارت کشاورزی در دست دارد برای بخشی از این خدمات مراکز خدمات روستایی در مراکز دهستان‌های کشور قرار است ایجاد شود). بخش‌های تولیدی جدید در آنها مهیا می‌شود و به آماده‌سازی خوراک و محصولات کشاورزی می‌پردازد و مشاغل جدید ایجاد می‌کند. می‌توان انبار کردن مؤثر را مطرح کرد (یعنی عامل بحرانی که در شرایط فعلی تا حتی بیست درصد از عرضه محصول می‌کاهد) که این خود منجر به نضج بسته‌بندی و توزیع در شکل محلی می‌شود و همچنین خدمات و ادارات منطقه‌ای در آنها شکل می‌گیرد. موفقیت در احیاء کشاورزی می‌تواند در رفع بسیاری از مشکلات شهری نیز مؤثر واقع شود، زیرا شهرک‌های متوسطی که در حول مراکز روستایی بوجود می‌آیند با فرصت‌های اقتصادی فعال که از کشاورزی بارآور ریشه گرفته‌اند، می‌تواند به منزله‌ی سدهای متعدد جلو سیل‌هایی را بگیرد که اکنون به شکل مهاجرت وسیع به سوی شهرهای بزرگ سرازیر می‌شوند.

### ۳- ارائه طرح پیشنهادی برای روانبخشی روستایی (توسعه و عمران روستاها) از مقدمه‌ای که طرح گردید خطوط اولیه طرحی پیشنهادی برای روانبخشی روستایی به شرح زیر حاصل می‌شود.

- گروه‌بندی روستاهای منطقه در گروه‌هایی که هر یک دارای بعد جمعیتی مناسب بوده و با نقطه‌ای که به‌عنوان مرکزشان انتخاب می‌شود، دسترسی معقول داشته باشند.
- مرکزی که انتخاب می‌شود می‌تواند خود یک روستا باشد و یا در نقطه‌ی مناسب بنا شود.
- بنابراین سه‌گونه روستا برای طرح روانبخشی در دست خواهیم داشت که هرکدام مسائل خاص خود را دارند.
- مراکزی که تازه بوجود می‌آیند که می‌توانند دارای طرحی کاملاً حساب‌شده باشند.
- روستاهایی که به مرکز روستایی تبدیل می‌شوند، این گروه می‌باید طرح توسعه‌ای داشته باشند که همه‌ی امکانات تأسیسات و تجهیزات موردلزم در آنها گنجانده شود.
- روستاهای اقماری روستای مرکزی که به تغییرات ناچیزی آن هم در سطح اصلاح وضع موجود خود احتیاج دارند.

#### اولویت‌ها

یکی از مسائل در پرداختن به روستاها مسئله تشخیص الویت‌هاست. بدون شک به‌علت تعداد بسیار زیاد روستاهای ایران و هزینه‌ی هنگفتی که روانبخشی آنها ایجاد می‌نماید مسئله‌ی روستا مسئله‌ای نخواهد بود که در یکی دو ساله و حتی یک دهه و دو دهه کاملاً حل شود.

بنابراین در طول **حی این معضل** بزرگ اجتماعی، باید کاملاً دقت کرد که برنامه‌ریزی از اصل به فرع و از مؤثرترین به کم‌اثرترین شکل گیرد وگرنه به اتلاف انرژی و هزینه و احتمالاً به شکست کل برنامه منجر می‌شود. برای مثال، چنانچه افزایش تولیدات را که برای جذب جمعیت اضافی روستاها ضروریست در ابتدا انجام ندهیم و به جای آن به تعریض معابر روستا و کانال‌کشی فاضلاب بپردازیم. احتمالاً هنگامی نوبت به ایجاد مراکز اشتغال‌زا دست خواهیم زد که دیگر مدت‌ها از جذب نیروی کار اضافی ده به وسیله مشاغل انگلی در شهرها گذشته است و یا اگر به جای تأسیس یک مرکز درمانی در مرکز روستایی به عقب کشیدن دیواری بپردازیم که آمبولانس بتواند تا دم خانه روستایی برود (تا از دویست متر حمل با برانکار بیمار جلوگیری کند) آن وقت نه آمبولانسی خواهد بود و نه مرکزی برای حمل بیمار به آن. اولویت‌ها با مطالعات موجود ردیف زیر را خواهند داشت:

- تهیه طرح کلی روانبخشی روستایی در جهت گروه‌بندی روستاها و تعیین مرکز برای هر گروه.

- مطالعات اقتصادی در منطقه برای شناخت شاخه‌های تولیدی که بنابر خصایصی منطقه می‌تواند برای جذب نیروی کار اضافی روستاها مؤثر باشد.
  - ایجاد شاخه‌های تولیدی انتخاب شده و اتخاذ روش‌هایی برای بارورتر کردن کشاورزی و دامداری.
  - ایجاد تأسیسات و تجهیزات مورد لزوم گروه روستایی در مرکز روستایی مانند مراکز درمانی، آموزش حرفه‌ای و دیگر خدمات مورد لزوم.
  - انجام اقدامات اصلاحی در روستاهای اقماری هر گروه روستایی. البته ممکن است در این گروه اصلاحاتی باشد که جنبه حیاتی داشته و به دیگر الویت‌های چهارگانه قبلی برتری داشته باشد، مانند سالم‌سازی آب آشامیدنی ناسالم و از این قبیل ولی مسلماً توسعه معابر و امثال آن به هیچ وجه دارای چنین اولویتی نخواهند بود و مطرح کردن بی‌موقع آن مخدوش کردن روند صحیح روانبخشی روستایی خواهد بود.
- در ضمن در این گروه اموری هستند که شکل انجام آن می‌باید در یک روند تحولی طبیعی صورت بگیرد و نه به اجبار مثل انتقال محل طویله‌ها. در این مورد تجارب بازسازی روستاهای زلزله‌زده نشان می‌دهد که در صورتی که این امر بدون توجه به آنچه طبیعتاً وجود دارد و تحول منطقی آنها، صورت بگیرد، اثری منفی خواهد داشت چنانچه در بوئین‌زهرها بعد از زلزله به روستاهای نوسازی برمی‌خوریم که از سکنه خالی مانده و اهالی ده زلزله‌زده ترجیح داده‌اند که خود از نو و با اصول خود روستای خود را بازسازی نمایند ولی از این روستاهائی که با استاندارد شهری بنا شده‌اند استفاده نکنند. بافت فیزیکی روستا و معابر آن هم اغلب دارای چنین خصایصی است و ترمیم آن از دیدگاه شهری در واقع تخریب طبیعت و کارآمد آن است.

#### ۴- تدوین خطوط کلی طرح توسعه شهری و روانبخشی روستایی

- به طرح توسعه شهری از سه زاویه می‌باید نگریسته شود:
- از نظرگاه روانبخشی روستایی در کل بخش تحت نفوذ شهر.
- از نظرگاه روانبخشی روستایی روستاهای اقماری شهر.
- از دیدگاه توسعه و گسترش خود شهر.

#### ۴-۱- خطوط کلی طرح توسعه شهری و روانبخشی روستایی از نظرگاه روانبخشی روستاهای کل بخش.

همانطور که در تدوین خطوط کلی روانبخشی روستایی (بخش ۱ تا ۳) آمده است، روانبخشی روستایی از طریق ایجاد مجتمع‌های روستاهای همیار که دارای مرکزی برای امور مشترک خود هستند شکل سلسله‌مراتبی (ارتباط این مراکز با مراکز بزرگ‌تر و آنها با مرکز بخش) شکل می‌گیرد. در این رابطه شهر



مرکزی، می‌باید خدماتی را برای کل منطقه در سطوح اداری، فنی، آموزشی، بهداشتی، درمانی، صنعتی، ترابری و انبارداری به عهده بگیرد.

بنابراین پیش‌بینی سطوح مورد لزوم و مشاغل مربوطه در طرح توسعه شهری از خطوط کلی طرح مزبور خواهد بود.

در تشریح بیشتر این خدمات منطقه‌ای لازم به یادآوریست که در طرح روانبخشی روستایی، از کوچک‌ترین اجتماع تا بزرگترین آن هرکدام به شکل سلسله‌مراتبی و به نسبت جمعیت زیر پوشش خود خدماتی را در عهده دارند. برای مثال در بخش آموزش، دبستان‌ها از کوچک‌ترین اجتماعات (روستاها) شروع به خدمات‌رسانی می‌نمایند، مدارس راهنمایی مراکز اولیه‌ی همیاری بین چند روستا را خدمات می‌دهند، دبیرستان‌ها در همین مرکز و در صورت عدم کفایت جمعیت در مراکز بین چند مرکز همیاری روستایی ایجاد می‌شود و مدارس فنی، تخصصی و احیاناً عالی در مرکز بخش ایجاد می‌شود.

در مورد بخش صنایع بدینگونه که احتمالاً صنایع دستی در کوچک‌ترین گروه، بعضی صنایع بسته‌بندی و آماده‌سازی محصولات کشاورزی در رده بالاتر و به همین ترتیب تا مرکز بخش و همینطور برای خدمات فنی مربوط به کشاورزی و صنایع، اداری و حمل و نقل این سلسله‌مراتب عمل می‌شود.

## ۲-۴- خطوط کلی طرح توسعه شهری و روانبخشی روستایی از نظر گاه روانبخشی روستاهای اقماری شهر.

در تدوین تئوری روانبخشی روستایی تشریح شد که روستاهای اقماری شهر معمولاً در هیچکدام از مجتمع‌های روستایی همیار عمل نمی‌نمایند و بیشتر؟؟ یا شهر مجاور کار می‌کنند و از خدمات آن بهره می‌جویند. آنچه بیشتر در مورد این روستاها به چشم می‌خورد عمل کرد. این روستاها به‌عنوان یکی از محلات سکونتی شهر است که تولیدات کشاورزی خاصی خود را نیز دارا می‌باشد و از خدمات عمومی شهر در بخش آموزشی، اداری، درمانی و غیره بهره‌ور می‌گردد.

در شهرهای بزرگ این روند تا آنجا ادامه می‌یابد که روستاهای مجاور کاملاً تبدیل به یک محل سکونتی شهری تبدیل شده و خاصیت تولیدی خاص خود را نیز از دست می‌دهد. در تهران روستاهای حسن‌آباد واقع در شمال خیابان ظفر، روستای اوین و تعداد زیاد دیگری از روستاها این روند را طی کرده‌اند و در شهرهای دیگر هم این عمل اغلب انجام شده برای مثال در استان آذربایجان شرقی ما شاهد محله‌ی سکونتی شدن روستاهای ایل‌گلی و بارنج در تبریز هستیم. بنابراین اصول در طرح توسعه شهری و روانبخشی روستاهای همجوار اصل بر این قرار گرفت که این حرکت طبیعی در جهات اصولی و درست تقویت شود. بدین ترتیب که راه‌های ارتباطی این روستاها و شهر تقویت می‌گردد و محل‌های توسعه شهری مانند پل بین

این روستاها و شهر قرار گرفته و هرکدام خدمات خاص خود و خدمات مشترک بین خود و روستاهای همجوار را تأمین می‌نمایند.

مثلاً در این محله‌های توسعه شهری، مدارس راهنمایی و یا درمانگاه‌های چند روز در هفته احداث خواهد شد.

### ۳-۴- طرح توسعه شهری و روانبخشی روستایی از نظر گاه توسعه و گسترش شهر.

آنچه معمولاً در توسعه شهرهای کوچک با پایه تولید کشاورزی در گذشته و حال حاضر اتفاق می‌افتد بدین شرح است که با لزوم توسعه شهر تدریجاً اولین مزارع و باغات همجوار محدوده‌ی خدماتی شهر، خود را برای پیوستن به شهر آماده می‌نمایند. نکاشتن مزارع، عدم رسیدن به درختان، تفکیک برای ساختمان‌سازی و احیاناً ایجاد ساختمان‌ها بدون جواز در این نوار شروع می‌شود. بعد از چندی شهر تسلیم این حرکت شده و این نوار به محدوده‌ی خدماتی شهر داخل و نوار بعدی برای این حرکت آماده می‌شود.

در این شهرها که اغلب زمین‌های همجوار آن بهترین زمین‌های منطقه بوده و به زراعت آبی و ایجاد باغات اختصاص یافته است. ادامه اینگونه رشد به تدریج به کاهش مشاغل مربوط به کشاورزی و تولیدات کشاورزی می‌انجامد و این کاهش منجر به کاسته شدن از مشاغل وابسته دیگر شده و با عدم امکان جذب نیروی کار شهر مهاجرفرستی در سنین ۱۵ تا ۲۹ سالگی در این شهرها تشدید می‌گردد. به‌علاوه این توسعه باعث می‌شود که از سطح بهترین زمین‌های کشاورزی کشور که عامل اصلی خودکفایی ملی و عدم وابستگی است، به نفع توسعه شهرها کاسته شود. فاجعه به زیر بخش سکونتی رفتن بهترین زمین‌های تولیدی جای کشور در لاهیجان مثال بارزی براین مدعا است.

در آذربایجان نیز بهترین زمین‌های کشاورزی در اطراف شهرها قرار دارند در مطالعات کشاورزی مربوط به شهرستان مراغه چنین آورده شده است.

"در شهرستان مراغه به‌طور کلی نمی‌توان کشاورزی را به معنی اخص خود استمال نمود، زیرا در اغلب دهات و روستاهای شهرستان کشت و زرع انواع غلات (اغلب به شکل دیم) رایج بوده و مانند تمام نقاط دیگر کشور کار عمده اهالی کشاورزیست، در صورتی که در شهرهای منطقه از جمله ملکان کشاورزی بیشتر به معنی باغداری و تربیت اشجار میوه می‌باشد (که در بهترین زمین‌ها و پرآب‌ترین آنها شکل گرفته‌اند)".

مطالعات زمین‌شناسی و خاک‌شناسی منطقه نیز این اصل را که بهترین زمین‌ها موجب ایجاد بزرگترین آبادی‌ها و شهرها شده را اثبات می‌نماید و دقت و وسواس در امر استفاده از این بهترین زمین‌ها را هرچه بیشتر تأکید می‌نماید.

مسئله دیگری که در توسعه به زوال معمول این شهرها بوجود می‌آید. مسئله رابطه توسعه شهر با بافت همگن قدیمی شهر است. معمولاً این شهرها (و حتی آبادی‌های کوچک‌تر) دارای یک بافت قدیمی اصلی همگن و با عملکرد بسیار خوب شهری هستند که پس از توسعه شهر دیگر قدرت عمل نخواهند داشت. در نتیجه از دیگر آثار نامطلوب توسعه متراکم شهرها این است که پس از مقدار معینی گسترش و توسعه متراکم ناچار خواهیم بود تمام بافت قدیمی و یا حداقل بخش اعظم آن را از بین برده و بافتی متناسب با وسعت جدید شهر بنا نمائیم این عمل علاوه بر نابودی بافت اصیل و همگن قدیمی، باعث تخریب گروه کثیری از منازل و واحدهای ساختمانی دیگر خواهد شد، که گذشته از مخارج فوق‌العاده‌ی انجام آن، به ناراحتی‌تراشی مردم که اغلب مبلغی کمتر از قیمت حقیقی ساکن خود دریافت می‌دارند، منجر می‌گردد. به‌علاوه با نگرستن به کل مسکن ایران که یک کمبود دو میلیون واحدی و لزوم ایجاد شش میلیون واحد را در طول یک برنامه میان‌مدت نشان می‌دهد (با امکان ساخت حدود دویست‌هزار واحد در سال به‌علت محدودیت مصالح ساختمانی و محدودیت هزینه‌ای که از درآمد ملی و نیروی کار ملی می‌توان به امر مسکن اختصاص داد) می‌توان تصور کرد که چنین تخریب‌هایی در شهرهای کوچک تا چه حد زیانبار خواهد بود.

در شرح خدمات تهیه طرح توسعه شهری و روانبخشی روستایی به این مهم اشاره شده است، چنانچه در بند چهار مرحله دوم آورده شده است.

«تهیه الگوهای شهرسازی در جهت بهسازی و مرمت بافت موجود شهرها» سومین مسئله‌ای که در گسترش و توسعه شهرها به روال معمول وجود دارد، مسئله‌ی جدایی بافت سکونت‌ی شهرها و فضای سبز اطراف آنست در این شهرها اغلب در حالی که شهر بوسیله‌ی یک کمربند سرسبز پوشیده است، خود بسیار خشک و بی‌روح بوده و با معیارهای شهرسازی سطح زیادی فضای سبز در سطح شهر لازم دارد که اغلب ایجاد آن از نظر امکانات مادی، محدودیت آب منطقه و سطح موردنیاز در محدوده‌ی شهر امکان‌پذیر نیست. در صورتی که چنانچه می‌توانستیم ادغامی از بافت سکونت‌ی شهر و مزارع اطراف بوجود بیاوریم مسئله فضای سبز شهری و پارک‌ها و گردشگاه‌ها با تخصیص مقدار بسیار کمی فضای سبز جدید قابل حل بود.

#### ۴-۴- راه حل پیشنهادی برای تهیه طرح توسعه شهری و روانبخشی روستاهای همجوار

با مسائلی که مطرح شد و با تعیین حدود مزارع و باغات محاط شهر به‌عنوان یک مانع طبیعی توسعه شهر و همچنین اصولی که طرح روانبخشی روستاهای اقماری همجوار شکل می‌دهد خطوط عمده طرح توسعه شهری و روانبخشی روستاهای همجوار دارای خطوط عمده زیر خواهد بود.

- شهر و روستاهای اقماری همجوار به شکل یک مجموعه شهری که این روستاها، محلات دوردست آنند تلقی می‌شود.

- محلات توسعه شهری در این مجموعه و دوربین این روستاها و شهر مرکزی احداث خواهند شد. این محلات در نقاطی که دارای زمین‌های نامطلوب و یا کمتر مطلوبند در نظر گرفته خواهند شد. بدین ترتیب این مجموعه شهری دارای یک هسته مرکزی و تعداد روستا و تعدادی محلات توسعه شهری در بین روستاها و شهر مرکزی خواهد بود. فواید این روش بدین شرح است:
- محلات توسعه شهری خدمات خاص خود و مشترک بین خود و روستا (و یا روستاهای) مجاور را به عهده گرفته و دسترسی به این خدمات را برای روستائیان تسهیل و در حداکثر فاصله زمانی حدود بیست دقیقه قرار خواهد داد.
- توسعه شهری در محلات مستقل از گسترش شهر به شکل یکپارچه جلوگیری می‌نماید. بدین ترتیب دارای فواید بسیاری خواهند بود به شرح آتی:  
اول- از اتلاف زمین‌های مرغوب کشاورزی و باغات جلوگیری می‌شود.  
دوم- این محلات به عنوان پل‌هایی بین روستاها و شهر مرکزی نضج مجموعه شهری را امکان‌پذیر می‌نماید.  
سوم- شهر مرکزی و روستاها که توسعه خود را در این محلات توسعه انجام می‌دهند امکان حفظ بافت اصیل و همگن خود را خواهند داشت.  
چهارم- مجموعه شهری ادغامی از فضای سبز و مجموعه‌های مسکونی خواهد بود و حالت یک باغ شهر را پیدا می‌نماید.
- پنجم- گسترش شهر مرکزی با یک مجموعه شهری با چند برابر جمعیت امکان جذب خدمات و تولیدات بالاتر بدست خواهد آورد.
- ششم- با اعلام روستا به عنوان یک محله شهری و یک بخشی از شهر، روستاهای مزبور امکانات بهره‌وری از امکانات شهری را کسب می‌نمایند.
- هفتم- این مجموعه در ارتباط با خدمات مشترک امکان بهره‌وری از خدمات بیشتری را بدون اتلاف ناشی از کسر جمعیت برای هر یک از خدمات به دست بیاورد.

پیش‌بینی رشد جمعیتی و اقتصادی شهرها

با روش الگویابی در غیاب برنامه‌های

مدون ملی، منطقه‌ای و بخشی

## تشریح روشی که برای پیش‌بینی جمعیت و روند تحولات اقتصادی و اجتماعی شهر مورد استفاده قرار گرفته.

برای تدوین چنین ایده‌ای در ابتدا نگاهی به پیشینه‌ی این امر داشته‌ایم (در این رابطه ده طرح جامع به عنوان نمونه انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته‌اند) و سپس روشی که در این رابطه اتخاذ نموده‌ایم تشریح می‌نمائیم.

### ۱- نگاهی به پیشینه امر

نگرشی به گذشته پیش‌بینی روند تحولات شهرها در طرح‌های جامع گذشته را روی دو محور جمعیت و تحولات اقتصادی انجام داده‌ایم.

#### ۱-۱- جمعیت

- در طرح جامع بندرعباس مسئله مهاجرت، رشد سال‌ها گذشته و رشد کشوری بررسی شده و بالاخره فرض چهارم که تشریح می‌نماید جز در سال اول تأسیس بندر در دیگر سال‌ها جمعیت براساس رشد طبیعی کشور رشد می‌نماید مورد قبول واقع شده است. در این مورد دلیل قاطعی عرضه نشده و ارتباط رشد جمعیت با ساخت اقتصادی و اجتماعی تعیین نگردیده است.
- در طرح جامع اراک پیش‌بینی جمعیت براساس بررسی‌های مؤسسه مطالعات تحقیقات اجتماعی قرار گرفته است که جمعیت ۱۴۸ هزار نفری را برای سال ۱۳۷۰ پیش‌بینی نموده است. لکن بعداً با نظر شورای عالی شهرسازی جمعیت ۳۰۰ هزار نفری را ملاک قرار داده‌اند. در این مورد جز ذکر این دلیل که قرار است اراک از قطب‌های صنعتی باشد دلیل موجه دیگری به چشم نمی‌خورد و ذکر همین دلیل هم بدون تشریح چگونگی روند و سرعت صنعتی شدن و مسائل مربوط به آن آورده شده است.
- در طرح جامع همدان به دلیل نبودن هیچ چشم‌انداز برنامه عمرانی وسیع رشد فعلی با کاهش مرگ و میر در نظر گرفته شده است.
- در طرح جامع بندر لنگه براساس نسبت افزایش بین سال‌های ۳۵ تا ۴۲ رشد آتی محاسبه شده است و هیچ دلیلی براین فرض موجود نیست.
- در طرح جامع بهبهان گفته شده است که به علت احداث سد بر روی رودخانه مارون جمعیت طی ۲۵ سال آتی با مهاجرت یک یا دو درصد رشد خواهد کرد که فرض دو درصد منطقی‌تر است. چرا منطقی‌تر است معلوم نیست.

- در طرح جامع بهشهر براساس یکی از فروض سه‌گانه مهاجرت پیش‌بینی انجام گرفته، ولی دلایل قاطعی در مورد این انتخاب موجود نیست.
- در طرح جامع شیراز سه فرضیه براساس مهاجرت و باروری و امید به زندگی طرح و با این جمله «تصور می‌رود که فرض دوم بیشتر مقرون به حقیقت باشد» پیش‌بینی رشد انجام گرفته است.
- همینطور در طرح جامع مشهد که پس از طرح سه فرض براساس به‌نظر می‌رسد فرض اول به حقیقت نزدیک‌تر است، تصمیم‌گیری شده است.
- تنها در مورد رشت به نظر می‌رسد که روش منطقی‌تری در نظر گرفته شده و رشد براساس محاسبات و پیش‌بینی اهالی برآورد شده است. البته از آنجا که این محاسبات در دست نبود ممکن است اساس آنها نیز در کلمات به نظر می‌رسد خلاصه شده باشد.

#### ۲-۱- پیش‌بینی روند تحولات اقتصادی و اجتماعی

- در پنجاه درصد طرح‌های جامع مطالعه شده پیش‌بینی روند تحولات اقتصادی و اشتغال یا انجام نگرفته و یا براساس وضع موجود و پیش‌بینی افزایش جمعیت صورت گرفته است.
- در باقی براساس فرضیاتی ترکیب اشتغال در آینده تعیین شده است ولی به طور کلی در هیچکدام به روش علمی و منطقی که براساس آن روند تحولات اقتصادی و ترکیب اشتغال تعیین شده باشد وجود نداشت و در هر کدام بخشی از روند علمی کار به چشم می‌خورد. نکات مثبتی که در طرح‌های مورد مطالعه وجود داشت را می‌توان به شرح زیر طبقه‌بندی کرد.
- در طرح جامع بندرعباس و بندرلنگه ترکیب مشاغل براساس ترکیب آنها در سال ۱۳۳۵ و تغییراتی که در مورد کاهش و افزایش هر گروه پیش‌بینی شده است به دست آمده است.
  - در طرح بهبهان براساس روند موجود فرض شده است که در آینده رشد مشاغل در بخش صنایع ادامه یافته و از بخش کشاورزی کاهش خواهد یافت و با نگرش فعلی چون رشد شهرپرست در این شهر سریع نخواهد بود. بخش خدمات نسبتی ثابت در جدول مشاغل خواهد داشت.
  - در طرح شیراز سعی شده ترکیب مشاغل برای آتیه به دست آید ولی تکیه‌گاه علمی در این مورد وجود نداشته و با کلمه «به احتمال زیاد» پیش‌بینی انجام گرفته، در اراک باتوجه به رشد بخش صنایع پیش‌بینی انجام گرفته است.

## ۲- تعیین خطوط عمده برای تدوین ایده کلی

برای تعیین خطوط عمده پیش‌بینی رشد جمعیت و روند تحولات اقتصادی و اجتماعی شهر و ترکیب اشتغال در طول اجرای طرح تکیه بر سه اصل عمده ضروریست.

- شناخت ساخت اقتصادی و اجتماعی شهر تا امکان شناخت شهر و جایگزینی آن در یکی از انواع شهرها به دست آید. این شناخت باعث خواهد شد که با مقایسه با روند توسعه شهرهای مشابه مسیر تحولات شهر و تحولات ساخت اقتصادی آن در آینده به دست آید. براساس شناسایی این روند تحولی است که ساخت شهر در هر دوره مشخص و ترکیب فعالیت‌ها و اشتغال در آن تعیین می‌شود.
- بررسی و شناخت تحولاتی که در شهر به علت دخالت عوامل خارجی (برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ملی و غیره) پیش می‌آید.
- بررسی اثراتی که پیاده شدن طرح توسعه شهری و روانبخشی روستایی بر شهر می‌گذارد.

### ۲-۱- طبقه‌بندی شهرها

- شهرها به چندین شکل طبقه‌بندی شده‌اند که چند نمونه آن ذیلاً ذکر می‌گردد.
- کلی‌ترین تعریف به علت وجودی شهرها می‌پردازد.  
«خدماتی که زندگی شهر را میسر می‌دارد به ماهیت اقتصادی شهر و نواحی اطراف آن وابسته است. هر ناحیه که اقتصاد ابتدایی و در خود مسدود داشته باشد و یا منابع طبیعی‌اش اندک باشد تعداد شهرهایش قلیل و یا اندازه آنها کوچک است».
  - تعریف دیگر انواع شهر را در سه شکل طبقه‌بندی می‌نماید.  
شهرهایی که مرکزیت یافته‌اند و برای نواحی اطراف خود خدماتی جامع به عهده دارند. چنین شهرهایی معمولاً به طور یکنواخت در نواحی حاصلخیز پراکنده‌اند.  
شهرهایی که به امور حمل و نقل اختصاص یافته‌اند.  
شهرهایی که به خدمتی واحد مانند استخراج معادن، تولیدات کارخانه‌ای و یا امور تفریحی اختصاص یافته‌اند و نواحی وسیع که خود واجد شهرهای کوچک‌ترند از خدمت آنها منتفع می‌شوند.  
بیشتر شهرها نمودار ترکیبی از سه عامل ذکر شده‌اند و اهمیت نسبی هر عامل از شهری به شهر دیگر متفاوت است.

- تعریف بعدی اصل و مبدأ شهرها را به‌گونه زیر تشریح می‌نماید.

یکی از عوامل تشکیل‌دهنده شهرها محل‌های توقف در طول جاده‌های اصلی است که بوسیله مسافرخانه‌ها و دکان‌ها مشخص می‌شدند (شهرهای منزلگاهی) و در اطراف آنها روستائیان و صنعتگران مانند



چرخ‌سازها، نعل‌بندها، نجارها که وجودشان ضروری بود سکنی می‌گزیدند. تقاطع راه‌ها و رودخانه‌ها که محل تبادل بارهاست نیز از عوامل تشکیل‌دهنده شهرهاست و همینطور در مدخل جاده‌های کوهستانی و صحرائی. به نظر می‌رسد خیلی از شهرها متعلق به محیط روستایی خود می‌باشند و این نوع شهر هرگز به وسیله تجار خارجی شکل نگرفته بلکه به تدریج در کنار طبقه کشاورز گروه‌های دیگر اجتماعی مانند صنعتگران، چرم‌سازان و ... تشکیل شده و کم‌کم تجارت رونق گرفته و یک مرکز تجاری بوجود آمده و مبادلات پولی صورت گرفته است.

وجود معادن و فعالیت‌های صنعتی مربوط به آن از عوامل دیگر رشد و نضج شهرهاست.

- گروهی دیگر از تعاریف اشاره به شهر فتح و یا شهر نظامی می‌نماید که در اطراف محل استقرار قوای نظامی شکل می‌گرفته است.

- بنابراین به طور کلی شهرها را می‌توان در دو گروه عمده طبقه‌بندی کرد.

اول- شهرهایی که در محیط روستایی خود شکل گرفته‌اند. اصولاً پایه معیشتی روستائی دارند و به تدریج خدماتی را برای روستاهای اطراف به عهده گرفته و شهریت یافته‌اند. معمولاً مراکز دهستان و روستاهای مرکزی این روند را طی می‌نمایند.

دوم- شهرهایی که به عللی مختلف ایجاد شده و روند روستا به شهر را طی نکرده‌اند.

در واقع پایه غیر روستایی دارند که در گروه زیر قابل طبقه‌بندی هستند.

- شهرهای صنعتی که به علل تولیدات صنعتی و یا استخراج معادل ایجاد می‌شوند.

- شهرهای محل توقف در طول جاده‌ها.

- شهرهای خدمات خاص، مثل شهرهای تفریحی و غیره.

- شهرهای خدماتی حمل و نقل و توزیع.

- شهرهای سیاسی- نظامی.

و یا به طور کل شهرهای صنعتی، خدماتی، بازرگانی و یا ادغام دو یا هر سه این وظائف.

## ۲-۲- نحوه‌ی تشخیص شهرها از یکدیگر

ترکیب اشتغال هر شهر در گروه‌های مختلف شغلی می‌تواند برای طبقه‌بندی شهرها مؤثر واقع گردد. در شهرهایی که دارای پایه روستایی هستند، اشتغال اصلی در سال‌های اولیه در مشاغل مربوط به گروه کشاورزی است. لکن اشتباه است که در توسعه آینده اینگونه شهرها پس از محاسبه جمعیت با ثابت نگه‌داشتن نسبت موجود به محاسبه تعداد شاغلین در گروه‌های مختلف بپردازیم. زیرا در اینگونه شهرها با افزوده شدن جمعیت و کاهش زمین‌های زراعی (و یا در بهترین صورت ثابت ماندن آن) مرتباً نسبت شاغلین

در گروه‌های مختلف به زیان شاغلین بخش کشاورزی تغییر می‌یابد و به نسبت شاغلین در گروه‌های خدماتی، بازرگانی، صنعتی و غیره افزوده می‌شود. در این رابطه مقایسه با شهرهای مشابه که در گروه جمعیتی بالاتر قرار گرفته‌اند می‌تواند عمده‌ترین راهنما باشد.

در شهرهایی که با پایه غیر روستایی نیز ترکیب مشاغل نقش عمده‌ای دارد. در این گونه شهرها نیز ترکیب مشاغل را نمی‌توان ثابت فرض کرد. زیرا معمولاً توسعه جمعیتی شهر تحولاتی در این نسبت‌ها بوجود می‌آورد. افزایش بخش صنایع در دوره‌هایی خاص در شهر صنعتی در دوره‌های دیگر با افزایش بخش خدمات امکان ادامه می‌یابد. در این موارد نیز استفاده از شهرهای مشابه در گروه جمعیتی بالاتر تأثیر اساسی دارد.

بدین سبب ترکیب مشاغل در ۴۴ شهر در هر گروه ۵ تا ۱۰ هزار نفری و ده تا حدود ۱۶ هزار نفری مورد بررسی قرار گرفته تا امکان طبقه‌بندی شهر مورد مطالعه و یافتن نمونه‌های مشابه با جمعیت بیشتر فراهم آید. جداول (۸-۱-۱) الی (۸-۱-۳)

### ۲-۳- بررسی ترکیب اشتغال در ۴۴ شهر نمونه

#### الف- بررسی و گروه‌بندی شهرهایی که دارای پایه کشاورزی هستند.

- شهرهایی با ساخت روستایی، اینگونه شهرها از نظر ترکیب اشتغال کاملاً ساختی روستایی دارند و به عللی مثل افزایش جمعیت به بیش از ۵ هزار نفر شهر نامیده شده‌اند. نمونه کامل اینگونه شهرها شهر خان ببین (گنبد کاووس) است که ۸۰/۶ درصد شاغلین در گروه کشاورزی مشغول به کار هستند و با بررسی وضع گروه‌های خدماتی- بازرگانی و اداری به نظر می‌رسد که هیچگونه خدمتی در سطح منطقه برای روستاهای اطراف بوسیله این شهر انجام نمی‌گیرد.

رامیان (گنبد کاووس) نیز با ۷۱/۴ درصد در همین ردیف قرار دارد.

- شهرهایی با ساخت روستایی و گسترش بعضی خدمات شهری

شهر ما سال نمونه بارزی از این نوع شهرهاست. نسبت اشتغال در گروه کشاورزی ۴۲ درصد کل شاغلین است در عین حال نسبت کارکنان خدماتی کمی بیشتر از میانگین شهرها و در بخش‌های بازرگانی و علمی- فنی و تخصصی کمی کمتر از میانگین شهرهاست. این مطلب نشانه‌ی آنست که شهر پایه روستایی داشته و سپس بعضی خدمات و بازرگانی روستایی اطراف را تا حدودی به عهده گرفته و گرایش به ساخت شهری یافته است.

- شهرهایی با پایه روستایی و ساخت غیر روستایی

شهر پهلویژ (سابق) نمونه شهرهاییست که پایه روستایی دارند ولی ساخت غیر کشاورزی یافته‌اند در این شهر گروه کشاورزی ۱۸/۶ درصد مشاغلین یعنی بیش از سه برابر میانگین مناطق شهری را دارا است. در

حالی که در همان حال در گروه بازرگانی ۱۷/۳ درصد یعنی ۵۰ درصد بیش از میانگین شهری مشغول به کارند. همین رابطه در بندر حسن کیاده برقرار است که ۱۵ درصد در بخش کشاورزی و ۱۸/۳ درصد در بخش خدمات یعنی ۲/۵ برابر میانگین شهری، ۱۰/۶ درصد در بازرگانی (تقریباً برابر میانگین شهری) و ۱۴/۲ درصد در گروه فنی، تخصصی و علمی یعنی ۳۰ درصد بیش از میانگین شهری مشغول به کارند.

نمونه بارز این گونه شهرها شهر قره‌ضیال‌الدین (خوی) است که در حالی که ۳۳/۲ درصد در گروه کشاورزی مشغولند، بازرگانی ۱۵/۵ درصد را به خود اختصاص داده است و این کاملاً می‌رساند که شهر قبلاً روستایی بوده و بعضی خدمات بازرگانی و دیگر خدمات برای منطقه بعداً موجب افزایش جمعیت و شهریت یافتن آن گشته است. راور کرمان تحول را در جهت مصنوعات انجام داده و ۱۵ درصد در بخش کشاورزی ۷۳ درصد در بخش تولیدی مشاغل دارد.

#### گروه عمده شغلی در شهرهای نمونه (استان‌های خراسان و گیلان- کرمان)

نام شهر	جمعیت در سال ۱۳۵۵	کارکنان علمی- فنی و تخصصی	مدیران و کارمندان	فروشنده‌گان و کارکنان بازرگانی	کارکنان امور خدماتی	کشاورزان دامداران و مشابه	کارگران شاغل تولیدی و رانندگان
چناران	۸۵۰۳	۳/۵	۳	۶/۴	۴/۳	۴۰	۳۹
سرخس	۶۸۰۶	۱۲/۵	۶/۷	۷/۴	۱۲	۱۷/۷	۳۸/۴
طرقیه	۱۰۱۰۱	۰/۸	۰/۵	۴/۶	۲/۵	۱۶	۷۴
فریمان	۱۲۳۸۵	۶/۵	۵/۵	۵/۷	۷	۱۹	۵۲/۶
طوق	۷۷۷۵	۰/۷۵	۲/۰۶	۳/۷	۵	۳۳	۵۵
گلشهر	۷۴۸۱	۳	۱	۹	۱/۸	۱۰/۵	۷۴/۳
تایباد	۱۱۹۹۶	۷/۷	۷/۵	۸	۱۴/۳	۱۴/۳	۳۹/۵
آستارا	۱۴۱۵۰	۲۵	۱۴/۲	۱۲/۲	۱۴/۷	۲/۳	۳۰
ماسال	۸۲۸۱	۸/۸	۲/۷	۸/۱	۹/۳	۴۶/۶	۲۷/۴
هشتپر	۱۰۴۴۴	۱۷/۳	۱۰	۱۶	۱۵/۶	۳/۱	۳۲
آستانه	۱۶۶۸۹	۹/۲	۸/۳	۲۶/۴	۱۰/۵	۵/۸	۳۸/۷
سیاهکل	۶۶۶۴	۱۶/۲	۹/۵	۱۱/۹	۱۴/۱	۱۷	۳۰
حسن کیاده	۸۳۱۹	۱۴/۲	۱۰	۱۰/۶	۱۸/۳	۱۵	۳۰/۴

**گروه عمده شغلی در شهرهای نمونه (استان‌های مازندران - مرکزی)**

نام شهر	جمعیت در سال ۱۳۵۵	کارکنان علمی- فنی و تخصصی	مدیران و کارمندان	فروشنندگان و کارکنان بازرگانی	کارکنان امور خدماتی	کشاورزان دامداران و مشابه	کارگران شاغل تولیدی و رانندگان
جویبار	۱۳۲۵۱	۴/۳	۴/۸	۱۲/۱	۸/۵	۳۴/۵	۳۵/۴
زیراب	۶۴۸۸	۹/۵	۸/۸	۱۰/۲	۹/۴	۴/۷	۵۴/۸
رستم‌کلا	۶۶۴۲	۴/۲	۲/۹	۳/۵	۲/۲	۴۶	۳۸/۴
گلوگاه	۱۰۰۱۵	۷/۳	۴/۳	۵/۶	۶	۴۶	۳۰/۲
نکا	۱۰۸۰۴	۵/۸	۸/۱	۱۶/۷	۸/۴	۷/۱	۵۳/۴
بندرگز	۷۳۴۶	۱۹/۶	۹/۸	۱۰/۸	۱۰/۶	۱۹/۵	۲۸/۳
کردکوی	۱۴۷۴۵	۶	۳/۷	۸/۱۵	۶	۵۴	۲۰
گمیشان	۷۹۷۵	۵/۵	۲	۱۱/۴	۲	۴۷/۴	۳۰/۷
پهلوی‌دژ	۶۹۶۰	۴/۸	۳/۸	۱۷/۳	۴/۶	۱۸/۶	۵۰
خان بین	۶۳۵۲	۱	۱	۳/۵	۲	۸۰/۶	۱۱
رامیان	۵۷۱۹	۳	۴	۴/۵	۴	۷۱/۴	۱۲
شاه‌زند	۶۹۱۰	۴/۴	۵/۷	۵/۱	۴/۴	۲۵/۴	۶۱/۵
مناطق شهری	۲۴/۱	۱۱/۵	۱۰/۵	۱۱/۷	۸/۳	۵/۷	۴۳
مناطق روستایی	۲۴/۷	۱/۷	۱	۲/۴	۱/۹	۵۸/۶	۳۲

**گروه عمده شغلی در شهرهای نمونه (استان‌های یزد - بوشهر - فارس - خوزستان و آذربایجان)**

نام شهر	جمعیت در سال ۱۳۵۵	کارکنان علمی- فنی و تخصصی	مدیران و کارمندان	فروشنندگان و کارکنان بازرگانی	کارکنان امور خدماتی	کشاورزان دامداران و مشابه	کارگران شاغل تولیدی و رانندگان
اشکذر	۶۱۷۷	۱/۳	۱/۸	۴/۳	۱/۵	۲۲	۶۸/۵
بغدادآباد	۵۵۹۸	۲/۴	۴/۳	۴/۱	۱/۷	۱۹/۷	۶۷/۶
زارج	۶۲۶۸	۲/۶	۱/۵	۵/۵	۲/۳	۲۶	۶۱/۵
مهریز	۶۷۱۰	۳/۴	۲/۴	۶	۴/۱	۲۸	۵۵/۵
بندرگناوه	۱۵۲۹۴	۴/۲	۶/۱	۱۶	۴	۶/۳	۶۲
بندر دیلم	۷۲۶۱	۶/۵	۵/۳	۲۵/۸	۳/۸	۳/۹	۵۲/۹
خور موج	۶۰۲۲	۸/۶	۴/۹	۸/۱	۶/۴	۲۱/۸	۴۹/۵
شهراوز	۱۰۳۵۳	۷/۷	۵	۴۸/۶	۳	۳	۳۲/۵
گراش	۱۱۴۱۳	۱/۵	۰/۶	۶۲	۱/۵	۳/۵	۳۰
هفتگل	۹۶۲۴	۸/۶	۴/۸	۵/۷	۵	۰/۹	۲۷
سربندر	۱۱۸۰۶	۶/۴	۱۶/۶	۶/۶	۱۷/۳	۱/۵	۵۰
تکاب	۱۲۸۸۵	۸/۴	۴	۱۴/۲	۵/۳	۱۰/۹	۵۶/۵
شاعین‌دژ	۸۷۰۴	۱۶/۴	۵/۸	۱۴/۶	۶/۸	۷/۳	۴۹
ضیاء‌الدین	۶۳۰۷	۷/۳	۳/۶	۱۵/۵	۶/۶	۳۳/۲	۳۱/۷

### ب- شهرهائی با ساخت غیرروستائی

- شهرهای بازرگانی- این شهرها در مجموعه خود مرکزیت یافته‌اند و داد و ستد را به عهده گرفته‌اند. نمونه‌ی کامل آنها شهر گراش (لار) است با ۶۲ درصد شاغل در بخش بازرگانی و یا شهر اوز با ۴۸/۶ درصد، نکا و تکاب نیز در همین ردیف قرار گرفته‌اند.
- بندردیلم نیز با ۲۵/۸ درصد در بخش بازرگانی قرار می‌گیرد با این تفاوت که احتمالاً علت وجودی آن قرار داشتن در کنار دریاست. آستانه اشرفیه نیز در همین گروه قرار می‌گیرد، لکن احتمالاً علت اولیه بوجود آمدنش جذبه‌های مذهبی بوده است.
- شهرهای خدماتی- سربندر نمونه‌ی شاخص این گروه می‌باشد با ۱۷/۳ درصد در گروه خدماتی و ۱۶/۶ درصد در کارکنان بخش عمومی.
- شهرهای خدماتی- بازرگانی- آستارا در این گروه جای دارد با ۱۴/۷ درصد در گروه خدماتی، ۱۲/۲ درصد بازرگانی، ۱۴/۲ درصد کارکنان بخش عمومی و ۲۵ درصد در بخش علمی فنی و تخصصی.
- نمونه دیگر هشت‌پر است، ۱۵/۶ درصد خدماتی، ۱۶ درصد بازرگانی، ۱۰ درصد کارمندان و ۱۷/۳ درصد گروه علمی.
- شهرهای صنعتی، این شهر به علت وجود معادن و یا احداث صنایع شکل گرفته‌اند. زیراب از نمونه‌های آنهاست با ۵۵ درصد در گروه تولیدی و باقی در حدود میانگین شهرها.

### ۳- پیش‌بینی روند رشد و توسعه شهر

برای پیش‌بینی روند رشد و توسعه شهر همانطور که توضیح داده شد، روشی که اتخاذ شده بر مبنای شناخت ساخت اقتصادی شهر و پایه تشکیل آن قرار دارد. پس از این بررسی و گروه‌بندی شهر در گروه‌های ذکر شده، تعدادی شهر در همین گروه با جمعیت یک دوره بالاتر انتخاب و بدین طریق روند تحولات شهر در آتیه تعیین می‌گردد. البته عوامل دیگری نیز می‌باید موردنظر قرار بگیرد تا پیش‌بینی‌ها بیشتر به واقعیت نزدیک شود. که مهمترین آنها در سه گروه طبقه‌بندی می‌شود. اول تحولات ناشی از حضور عوامل خارجی (برنامه‌ریزی‌های ملی، منطقه‌ای، محلی و غیره) و دوم تحولاتی که در اثر پیاده شدن طرح توسعه شهری و روانبخشی روستایی در روند تغییرات شهر نقش پیدا می‌کند و سوم نقش شهر در منطقه و اثرات قطب‌های منطقه بر آن.

بنابراین پیش‌بینی روند رشد و توسعه شهر در بخش‌های زیر انجام خواهد گرفت:

- گروه‌بندی شهر از لحاظ اقتصادی و پایه تشکیل آن.
- انتخاب شهرهای مشابه در گروه جمعیتی بالاتر برای شناخت محورهای طبیعی روند رشد و توسعه شهر.
- بررسی و شناخت اثرات پیاده شدن طرح توسعه شهری و روانبخشی روستایی.

- بررسی تحولات ناشی از حضور عوامل خارجی و اثرات.
- بررسی اثرات نقش شهر در منطقه و اثرات قطب‌های منطقه بر آن.
- پیش‌بینی رشد جمعیت با مقایسه شهرهای مشابه و اثربخشی عوامل سه‌گانه.